

"توافق نگهبانان مافیا و مفهوم دولت وحدت ملی در افغانستان!!"

گره را با گره نه میتوان باز کرد !

پیوسته به گذشته قسمت سی وهفتم :



محمد امین فروتن

آنچه ما را به نابودی خواهد کشاند چنین اند : سیاست بدون اصول، لذت بدون وجدان، علم بدون شخصیت و تجارت بدون اخلاق و پیروزی نیز آن نیست که هرگز زمین نخوری، بلکه آن است که بعد از هر زمین خوردنی برخیزی !

مهاتما گاندی

رهبر بزرگ آزادی خواهان هند

قصد داشتم این هفته در یادداشت خود بر اظهارات زنجیره ایی و در عین حال پارادوکسیال استاد عبدالرسول سیاف یکی از شوالیه های مذهبی و جهادی که از ستون های مهم نظام حاکم کنونی محسوب میشود که در روز سومین سالگرد شهادت استاد ربانی در محضر چندین صد تن از هوا دارانش و در غریو نعره های الله اکبر بیان کرد به حیث یک شاگرد نو اندیش دینی مکث کوتاهی داشته باشم تا اگر توانیسته باشم در پاکسازی چهره حقیقی دین اسلام از لوث چنین جراثیم مهلک سهمی ایفا کنم اما از اینکه موضوع قتال و سائر مواردی که آن هیولای سیاه تاریخ جامعه ما در جامه مذهب و با نمائیش عظیم یک "خشم دیکتاتورانه و پشم صوفیانه!!" به آن پرداخته بود ایجاب یک پژوهش مسؤلانه علمی و فلسفی را میکند که آن را به یک فرصت دیگری واگذار کردم و به مسأله دیگری که بصورت عاجل گلون سرنوشت مملکت ما را می فشرد و بالاخیره چنانچه پیشبینی میکردید سروصورت همه میهن دوستان را خون پُر ساخت می پردازم .

<https://www.youtube.com/watch?v=dVauFcX9q20>

و چنانچه دیده میشود ما ساکنان نیم قاره هند و جنوب غرب آسیا بویژه مردم افغانستان به شکل عجیبی تاریخ گذشته را مرور میکنیم زیرا همیشه ماهیت و رشته اصلی حوادث را رها نموده و به حواشی می پردازیم . چنانچه دیدیم و با چشم سرمشاهده کردیم پس از آنکه بتاریخ بیست و چهار جوزای سال ۱۳۹۳ هجری شمسی مردم درمانده افغانستان در اوج تهدید های فروانی از خشونت طلبان و مخالفان مسلح صلح به صندوق های رأی که در مراکز انتخاباتی مانده شده بودند جوقه ، جوقه حضور یافتند و با آنکه اکثر دارنده گان رأی از ماهیت رأی خویش آگاهی نداشتند برگه های از رأی را در بدل چند دالر به صندوق های رأی انداختند . و با دل آرام و قلب مطمئن و لبریز از امید بسوی دهکده های ویران شده برمی گشتند و میدیدند که چگونه شعله های مهیبی از آتش تقلب جنازه سرنوشت متلاشی شده ملت مظلومی را بی رحمانه فشرده و در بیرون دروازه انداخته است . اما زمین وزمانی را که به لوٹ تقلب و نجاست نظام مافیائی آلوده شده بود هنوز پا برجاست و هوایی متعفن تقلب را اینک مردم تھی دست افغانستان با بی رحمی استشمام میکنند . شاید این نتیجه برای بسیاری از تحلیل گران و سیاسیون جامعه غیر قابل پیشبینی بوده باشد اما برای آنده مؤرخان و نویسنده گانی به شمول این قلم که حوادث تاریخی را بصورت زنجیره ای مورد بررسی قرار میگیرند و هر حادثه را در رابطه با هویت و معرفت " حادثه مادر " به نقد و تحلیل می گیرند هیچگونه جای تعجب نداشته است . آنچه که در پرتو چندین ماه انتظار بیهوده و بیش از یک دهه حوادث پیچیده متعلق با سرنوشت جامعه افغانی بویژه در مورد بی تفاوتی چهره ها و شخصیت های شاخص سیاسی این جامعه در قبال سرنوشت و هویت ملی کشور که در دؤمین دور انتخابات ریاست جمهوری افغانستان با کنار رفتن از مقامات حساس " سیأ " سی حضور پیدا کردند و تنور انتخابات را پیوسته گرم نگه داشتند ما و امثال من را به حل بسیاری از معادلات مجهول سیاسی نزدیک ساختند . البته نباید از این حقیقت چشم پوشید که استعمار در قدیم فقط با انرژی ، ذوق و تجارب عینی استعمار گران تعریف میگردید اما امروز استعمار بصورت بسیار پیچیده و با انتن های راه بلدان بومی و وسائل ارتباط جمعی مانند رادیو و تلویزیون کشورها را تسخیر میکنند و روانشناسی علمی - جامعه شناسی فنی و روانشناسی سیاسی به کمک اش آمده چنانچه دیدیم و حوادث اخیر در افغانستان این حقیقت را به اثبات رساند که قباله سرنوشت مردم افغانستان تو سط زمامداران مافیائی در حجره های از بیگانه گان امضأ و سپس برای نقاشی و افغانی نشان دادن مشروعیت آن قباله پس از یک مکالمه مختصر تلفنی جان کوبیس با والاحضرت حامد کرزی ماشین دالری آمادگی ها برای امضانمودن بصورت عرفی در قصر ارگ نیز به حرکت آمد . و سرانجام بصورت تشریفاتی نماز جنازه بر تابوت سرنوشت افغانستان با حضور شیخ الاستخاره حضرت مجددی و دیگر اکابر طریقت و شریعت !! دست در دست شبه روشنفکران عجول ! در زیارتگاه ارگ اقامه گردید . یکی از بدبختی های مردم افغانستان که نه میتوانند تشخیص دهند این است که برای اغفال ذهن از آنچه که باید بدان بیا ندیشند یعنی سرنوشت " من " به عنوان انسان ، و سرنوشت " ما " به عنوان جامعه و ملت غالباً مردم فقیر و تھی دستی را دعوت میکنند که به مسائل به ظاهر بسیار متریقی !! و سعادت بخش !! بیاندیشند و این است که یک گول فریبنده میخورند و بدان توجه ندارند . شاید در تاریخ حقوق و علوم سیاسی البته نه " سیأ " سی هیچگونه سابقه نداشته باشد که بدین مهارت ، مؤلفه ها و مفاهیم بسیار مهمی چون " دولت وحدت ملی ! " - " اپوزسیون " - انتخابات آزاد - دموکراسی - همچون دانه های تسبیح برای فریب دینداران و شهروندان ساده دل بصورت مافیائی وارد ترمنولوژی سیاسی ساخته باشند . ، زیرا هریکی از این مفاهیم و اصطلاحات دارای بار حقوقی اند و نه میتوان آنرا با فرمانها و فرمایشات دیکتاتورانه ای از حاکمان بصورت

مصنوعی در یک جامعه به وجدان عمومی مبدل ساخت . از اینکه مفاهیمی چون دولت - وحدت ملی - اپوزسیون - انتخابات آزاد و دموکراسی مستلزم اندیشه و تفکر ملی فرد فردی از شهروندان است پس با توجه به این اصل زرین و لایتغیر فکری هر مفهوم را بصورت جداگانه مورد بحث قرار گیرد که من نیز مروری بر آن را به آینده واگذار میکنم . اما اکنون باید بصورت مختصر به شعار های باید اشاره کنم که هریکی از کاندیدا ها و هواداران شان در موسم گرمای انتخابات سر میدادند .

https://www.youtube.com/watch?v=Z4yX3L_VKzw

نخست به شعار های اشاره میکنیم که جنرال عظامحمد نور متولیی مقتدر روضه مزار شریف یکی از حامیان مقتدر جناب داکتر عبدالله ، عبدالله با سردادن آن بزرگترین نگرانی را برای نیروهای امنیتی بوجود آورده بود و در صورت پیروزی دست به اعتراضات نارنجی و سبز خواهیم زد . این گونه واکنش ها آنگاه به عکس العمل جدیی آقای نور مبدل شد که اشرف غنی احمدزی در مصاحبه با رادیو آزادی نسبت به اظهارات آقای نور بصورت غیر معمول و تمسخر آمیز به خنده افتید .

ادامه دارد